

۱۵۰۲۹۲۶



کتاب سیاه | ۳

مفهوم «نقد» و «نقد اقتصاد سیاسی»

ژاک رانسیر



کتاب سیاه | ۳

مفهوم «نقد» و «نقد اقتصاد سیاسی»

ژاک رانسییر

ترجمه: امیر شیخان

ویراستار: شروین طاهری

سرشناسه: رانسییر، ژاک، ۱۹۴۰ - م. Ranciere, Jacques.
عنوان و پدیدآور: نقد * نقد * نقد اقتصاد سیاسی / ژاک رانسییر: ترجمه امیر شیخان؛ ویراستار شروین طاهری.
مشخصات نشر: تهران: خرد سرخ، ۱۳۹۶.
تعداد جلد: کتاب سیاه: ۳ / دبیر مجموعه رضا اسکندری.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۱۴-۳-۶
موضوع: اقتصاد -- جنبه‌های سیاسی
Economics -- Political aspects: موضوع
موضوع: اقتصاد مارکسیستی
Marxian economics: موضوع
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۱۴-۳-۶ / مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ / HB ۷۴/س
رده بندی دیویی: ۳۳۰
شماره کتابخانه ملی: ۲۶۴۰۱۶۱

دبیر مجموعه: رضا اسکندری

مدیر هنری: بهروز گرگین

چاپ اول: تهران: ۱۳۹۶.

کلیه حقوق مادی برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۱۴-۳-۶

کتاب سیاه:

1

۱. کوتاه است.

۲. در موضعی انتقادی نسبت به نظم اقتصاد

سیاسی موجود قرار دارد.

۳. موضوعات خود را در سپهر اقتصاد سیاسی،

یا به عبارتی آکادمیک «علوم انسانی»، طرح

و تعریف می‌کند.

۴. نه تنها در جستجوی اصلاح، پنهان‌سازی

یا ترمیم شکاف‌ها نیست، بلکه در مقابل، بر

تعارضات انگشت می‌گذارد.

۵. محدودیت‌هایی چون حجم کتاب،

شناختگی یا ناشناختگی مولف و ... در

انتخاب و انتشار متون تأثیرگذار نیست.

پیش در آمد

مفهوم بت‌وارگی در کاپیتال به عنوان یک معضل مطرح است که باید ابتدا به صورتی ساده و بی‌تکلف طرح شود: چه چیزی مسئله بت‌وارگی را تا این اندازه پیچیده کرده است؟ ما می‌دانیم که بت‌وارگی همان کاری است که به منزله جای پای برای کسانی است که کاپیتال را بر اساس انسان‌شناسی مارکس جوان تفسیر می‌کنند، برای آنها بت‌وارگی تنها

نامی است تازه برای بیگانگی. در بت‌وارگی
مناسبات میان انسان‌ها به مناسبات میان چیزها
بدل می‌شود. بر این اساس فعالیت افراد انسانی
به هستی‌ای بیگانه پیوسته و بدین طریق، موجبیت
و تعیین چیزها را فراهم می‌آورد و به زیر سلطه
همین مناسبات میان چیزها کشیده می‌شود. پس
در این مسیر، بت‌وارگی، فرایندی انسان‌شناسانه و
مشابه پی‌نگ است.

اما فستی مخالف، هر نوع ماهیت
بت‌واره‌ای یک فرایند واقعی را انکار و بت‌وارگی
را تنها درکی از مناسبات اقتصادی می‌پندارد؛ یک
ایدئولوژی.

در واقع زمانی به درک صحیحی از بت‌وارگی
خواهیم رسید که به پیوستگی آن با عینیت
بیندیشیم که من دربارهٔ ساختار فرایند و ساختار
اشکال آن گفته‌ام.

ما هرچه بیشتر شاهد گذار به اشکال

انضمامی تعیین درونی فرایند تولید سرمایه‌داری بوده‌ایم. اشکالی که حرکات و وجوه جزئی و پنهان خودش را در شکل کامل شده‌اش، کنترل می‌کند. این در واقع همان جریان سازندهٔ بت‌وارگی است.ابطال سطحی در سطحی که می‌توان گفت ساختار بت‌واره دارد، پدیدار می‌شود. گفتمان بت‌وارگی، همه‌تیده‌شدن همین ارتباط اشکال عینی پدیدار شده در سطح فرایند تولید سرمایه‌داری و بازتاب آن در آگاهی عوام^۱ تولید است. گفتار بت‌وارگی در فرمولی سه‌تایی توسط مارکس جمع‌بندی، و با سه جفت بیان شده است:

- سرمایه/سود^۱

- زمین/اجاره^۲

- کار/مزد^۳

1. capital/profit

2. land/rent

3. labour/wage

هرسه این عوامل (سرمایه، زمین و کار) به منزله سه منبع درآمد در نظر گرفته می‌شوند. سرمایه به طور طبیعی سود می‌آفریند؛ کار، مزد و زمین نیز اجاره بهاء. این سه جفت، نظام حاکم بر فعالیت عوامل تولید را نمایندگی می‌کنند.

شرح و تفسیر

یادداشت‌های مارکس خاطرنشان می‌کند که بهتر است جفت نخست (سرمایه/سود) با جفتی که در واقع در دل آن جای می‌دهد، یعنی جفت سرمایه/بهره^۴ جایگزین شود. سود، درواقع یک وجه پدیداری - و می‌توان گفت صورت پنهانی - ارزش اضافی است. البته سود، نه غنی‌ترین و نه واسطه‌مندترین صورت ارزش اضافی است زیرا که هنوز به حوزه تولید وابسته است. بهره، که

4. capital/interest